

بررسی رویکرد سیاست اجباری در قوانین و مقررات محیط زیستی ایران

ارشک حلی‌ساز* و ساجده صافی‌خوانی**

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۸	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۹	شماره صفحه: ۳۹۰-۳۶۱
-------------------	--------------------------	-------------------------	---------------------

مدل حاکمیت محیط زیستی قرارداد - محور، اولین تلاش نظام‌مند برای اجرایی‌سازی دستورالعمل‌های محیط زیستی و اثرگذار بر فعالیت‌های روزمره حکومت بود که به تصویب قوانین و مقررات محیط زیستی با رویکردهای دستور و کنترل از دهه ۱۹۶۰ منجر شد. اما از دهه ۱۹۸۰، اقبال برای ایجاد انعطاف در تنظیم قوانین و مقررات محیط زیستی بیشتر شد و بسیاری از حکومت‌ها از راهبردهای ایدئولوژیکی و مدیریتی منعطف‌تر در سیاست‌گذاری استفاده می‌کردند. از آنجا که وقوع انقلاب اسلامی و دوران سازندگی، آغاز مدرن‌سازی قانونی و مقرراتی محیط زیست در کشور بود، این مقاله تلاش دارد با تمرکز بر نظریه سیاسی هابز و استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، رویکرد حاکم بر قوانین و مقررات محیط زیستی کشور را نشان دهد. نتایج نشان داد که به رغم وقوع انقلاب و تفاوت شکلی و دولت‌های مختلف بعد از انقلاب اسلامی در تمامی زمان‌ها، نهادهای قانونگذار بر کاربرد ابزارهای سنتی دستور و کنترل تمرکز دارند. در سال‌های اخیر نیز تکیه حکومت بر کاربرد این ابزارها بیشتر شده و رویکردهای غیراجباری و منعطف‌تر مورد توجه قرار گرفته است. به عبارتی نهاد قانونگذار در هنگام مقررات‌گذاری، اولویت را به اعمال سیاست‌های اجباری و کاربرد ابزارهای دستور و کنترل می‌دهد که نظریه سیاسی هابز بر آن تمرکز دارد. از این رو مدل حاکمیت محیط زیستی ایران را می‌توان حاکمیت محیط زیستی قرارداد - محور دانست.

کلیدواژه‌ها: حاکمیت محیط زیستی قرارداد - محور؛ تحلیل محتوا؛ سیاست اجبار؛ نظریه سیاسی هابز؛ ایران

*استادیار گروه مهندسی منابع طبیعی، دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس (نویسنده مسئول)؛
Email: holisaz@hormozgan.ac.ir

**دانشجوی دکتری علوم و مهندسی آب‌خیزداری، دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه هرمزگان؛
Email: safikhanys@yahoo.com

مقدمه

از نخستین سال‌های قرن بیستم انواعی از مدل‌های حاکمیت محیط زیستی توسط کشورهای غربی اتخاذ شد و به تدریج به سایر نقاط دنیا نیز گسترش پیدا کرد. این مدل‌های به اجرا گذاشته شده، نماینده تغییرات و واکنش‌های متفاوت حکومت‌ها به مسائل و مشکلات محیط زیستی بودند (Ioris, 2014: 15) و مبانی نظری و ارزشی که ریشه عمیقی در تفکرات حکومت داشت را بیان می‌کردند، چرا که تحول در هر نظام و حرکتی، تغییر در تفکر و نوع نگاه است که دگرگونی در عمل را به دنبال دارد. مطالعه موردی یوریس (۲۰۱۴) در اتحادیه اروپا و آمریکا نشان می‌دهد که نخستین تجربه حاکمیت محیط زیستی، ضمیمه‌ای فرعی و کم‌اهمیت بود که در خلال دومین انقلاب صنعتی گسترش یافت و به قواعد اقتصاد کلان و اولویت‌های پر قدرت اقتصادی چسبیده بود. مهمترین هدف و قصد این مدل اولیه؛ تنظیم مقررات، دسترس پذیر کردن و اختصاص منابع طبیعی به بهره‌برداران و ارائه برخی پیشنهادهای اولیه برای مقابله با آلودگی به خصوص آلودگی منابع آب و مقابله با نتایج حاصل از گسترش فعالیت‌های شهری - صنعتی بود. تبلور این مدل اولیه در روسیه باعث شد که مجموعه قوانینی در مورد کاربری اراضی، برداشت چوب، رودخانه‌ها، ماهیگیری و گنجینه گیاهی در فاصله سال‌های ۱۸۵۵ تا ۱۹۱۳ تصویب شود تا امکان تجارت منابع طبیعی را فراهم و از محیط زیست در مقابل آلودگی محافظت کند (Ibid.: 45). با این حال با افزایش روند تخریب طبیعت و محیط زیست، بسیاری از محققان و رهبران سیاسی متوجه شدند که این مدل محدودیت‌هایی دارد. از دهه ۱۹۶۰ چارچوب‌های مدل حاکمیت محیط زیستی قرارداد - محور ارائه شد که نخستین تلاش نظام‌مند برای اجرایی‌سازی دستورالعمل‌های محیط زیستی و اثرگذار بر فعالیت‌های روزمره حکومت بود. بعد از جنگ جهانی دوم این مدل در شرایطی خود را وارد عرصه تدوین مقررات محیط زیستی کرد که حکومت تلاش می‌کرد تا نشان دهد دو نگاه متفاوت و متضاد در خصوص بهره‌برداری از طبیعت وجود دارد. به عبارت دیگر حکومت هم مسئول حفاظت از محیط زیست بود و هم مسئول ارتقای سطح بهره‌برداری از طبیعت (Ibid.: 47, 139).

از منظر سیاسی - اکولوژیکی، حاکمیت محیط زیستی قرارداد - محور نوعی مصالحه نهادی است که در حکم یک دستیار برای گروه‌های قدرتمند سیاسی و اقتصادی عمل می‌کند و به خود اجازه نمی‌دهد که مشروعیت حکومت و روند رو به تزايد تولید، مصرف و تولید پسماند را به پرسش بگیرد و منجر به تصویب قوانین محیط زیستی با رویکردهای دستور و کنترل شد (Ibid.: 140). تصویب قانون ملی سیاست محیط زیست در ایالات متحده و اضافه کردن مجموعه قوانین دیگری به آن مانند قانون هوای پاک، قانون آب پاک، قانون گونه‌های در معرض خطر و قانون حفاظت و احیای منابع بهترین نمونه‌هایی است که نشان دهنده حاکم شدن مدل حاکمیت محیط زیستی قرارداد - محور است (Ibid.: 84, 140). یوریس مبانی فلسفی هابز را مهمترین اندیشه دنیای مدرن می‌داند که در تحول مباحث مرتبط با حاکمیت محیط زیستی قرارداد - محور اثرگذار بود و اثر فراوانی بر تکامل مباحث سیاسی و قانونی در ایالات متحده آمریکا، اروپا و سایر نقاط جهان داشت. به عبارتی، اندیشه هابز از طبیعت بود که اعمال حکمرانی به شکل اجباری را در قوانین و مقررات محیط زیستی ایجاد کرد (Ibid.: 18) و دولت‌ها با تمرکز بر راه‌حل‌های هابزی این توانایی را پیدا کردند که از طریق ابزارهای سیاستی و قانونی هرگونه عدم اطاعت را به سختی مجازات کنند (Sjöstedt, 2014: 277). از این‌رو از دهه ۱۹۶۰ به بعد، مقررات محیط زیستی به گونه‌ای تدوین می‌شد که بر چارچوب‌ها و راهبردهای دستور و کنترل تمرکز داشته باشند (Ioris, 2014: 78, 107). رویکردهای دستور و کنترل، کارآمدترین وسیله برای دستیابی به اهداف حفاظت از محیط زیست در جامعه بودند (Cole and Grossman, 1999). باید توجه داشت که حاکمیت محیط زیستی فرایندی پویاست که در تطابق با موازنه قدرت سیاسی تغییر می‌کند. بنابراین از دهه ۱۹۸۰ به بعد اقبال برای ایجاد انعطاف در تنظیم مقررات محیط زیستی بیشتر شد (Ioris, 2014: 16)، به طوری که بسیاری از حکومت‌ها، درگیر استفاده از ابزارهای راهبری منعطف‌تر در سیاستگذاری و پخش سیاست‌ها شدند (Baker and Eckerberg, 2014: 189). در نتیجه با معرفی مدل حاکمیت محیط زیستی منعطف از دهه ۱۹۹۰، میزان استفاده از رویکردهای منعطف‌تر (مانند

رویکردهای اقتصادی و مبتنی بر بازار) نسبت به رویکردهای دستور و کنترل (مانند سیاست اجبار) در تنظیم قوانین و مقررات محیط زیستی بیشتر شد و نئولیبرال سازی جامعه و طبیعت اجتماعی با سرعت بیشتری انجام می‌گرفت (Ioris, 2014). به رغم اینکه بسیاری از حکومت‌ها با مدرن کردن ابزارهای خود در امور محیط زیستی دخالت می‌کردند، اما بسیاری از دولت‌های معاصر برای حفاظت از محیط زیست، همچنان از ابزارهای مقرراتگذاری مبتنی بر راهبردهای سنتی دستور و کنترل یعنی تصویب و اعمال قوانین با تمرکز بر سیاست اجبار استفاده می‌کنند. بررسی تاریخ تحول حقوق محیط زیستی ایران نشان می‌دهد که وقوع انقلاب اسلامی و دوران سازندگی، آغاز مدرن سازی قانونی، مقرراتی و تشکیلاتی در خصوص محیط زیست بود. به عبارتی بعد از انقلاب اسلامی، گفتمان‌ها و راهبردهای سیاسی حاکم بر کشور به طور گسترده تغییر کرد. بر این اساس پرسشی مطرح می‌شود که آیا وقوع انقلاب اسلامی و تغییرات سیاسی بعد از آن مانند تغییر نظام سیاسی، تغییر دولت‌ها و مجلس چارچوب کلان و گفتمان حاکم بر قوانین و مقررات محیطی زیستی را تغییر داده است؟ پاسخ به این پرسش مستلزم بررسی و تعیین رویکرد حاکم بر قوانین و مقررات محیط زیستی، روند تکاملی سیاستگذاری و ابزارهای سیاستی (حاکمیت محیط زیستی) دولت‌های ایران از اجرای اصلاحات ارضی تا حال حاضر است. از این رو نویسندگان مقاله با پذیرش این فرضیه که نتایج حاصل از انقلاب اسلامی و حکومت برآمده از آن، رویکرد نهادهای قانونگذار در هنگام مقرراتگذاری محیط زیستی را تغییر نداده است، تلاش می‌کنند با تمرکز بر نظریه سیاسی هابز، میزان ادبیات اجبار و غیراجبار (منعطف) را در قوانین و مقررات محیط زیستی نشان دهند.

۱. مبانی نظری

۱-۱. نظریه سیاسی هابز (اعمال حکومت به شکل اجباری)

بعد از جنگ جهانی دوم این نیاز به وجود آمد که لازم است یک اقتدار محیط زیستی قدرتمند و در عین حال رسمی وجود داشته باشد تا بتواند مالکیت خصوصی را تا حدی محدود کند

و رابطه‌ای کارکردی و تولیدی بین قانونگذار و آنهایی که باید قانون را رعایت و اجرا کنند، برقرار کند. همچنین باید واکنش‌هایی چابک و سریع و از موضع قدرت به تخریب‌های محیط زیستی نشان داده شود و قواعد و مقررات مرتب با مسائل محیط زیستی با اعمال زور اجرا شوند. در چنین فضایی، هابز به یک عامل اثرگذار بر حاکمیت محیط زیستی تبدیل شد و نخستین کسی بود که با تبیین و توجیه اقتدار، قدرت و تسلطی که حکومت بر بخش‌های مختلف جامعه اعمال می‌کرد، حاکمیت محیط زیستی را مورد نقد قرار داد و در نهایت منبعی محکم و قابل اتکا برای شکل‌گیری و روی کار آمدن مدل حاکمیت محیط زیستی قرارداد - محور از دهه ۱۹۶۰ شد (Ibid.). مشارکت هابز در ظهور حاکمیت محیط زیستی قرارداد - محور باعث شد که اقتدار و قدرت تصمیم‌گیری، به شکلی متمرکز کاملاً در دستان حکومت قرار گیرد (Ibid.: 16). چرا که نظریه سیاسی هابز، از حکومتی حمایت می‌کند که اطاعت و فرمانبرداری از آن به عنوان یک مرجع که دارای اقتدار سیاسی است و قدرت را در دست دارد، بر همه واجب است (هابز، ۱۳۸۹: ۱۸). نظریه سیاسی هابز، با نگرشی از بالا به پایین، درصدد تبیین جایگاه قدرت حکومت است (اشرف‌نظری، ۱۳۸۴: ۲۷۸) و با الزامی کردن اطاعت از قوانین (هابز، ۱۳۸۹) و استفاده از ابزارهای سرکوبگرایانه سیاستی و قانونی (Sjöstedt, 2014: 277) از حکومتی قدرت طلب حمایت می‌کند و مردم را به اطاعت و فرمانبرداری آن مرجع توصیه می‌کرد (هابز، ۱۳۸۹: ۱۸). هابز با این اعتقاد که لازم است حکومتی متکی به زور و قادر به کیفر دادن وجود داشته باشد (کاپلستون، ۱۳۸۰)؛ در نظریه سیاسی‌اش، حکومت را در قالب ماده‌واحدده‌ها، جرائم و مجازات‌ها مجهز کرد. این امر به تصویب قوانین محیط زیستی سخت‌تر منجر شد که در چارچوب سلسله‌مراتبی و بالا به پایین یا به عبارت دیگر کاربرد راهبردهای دستور و کنترل اعمال می‌شد، به طوری که مردم مجبورند ویژگی‌های منفی رفتارشان را بپذیرند و صلاح کار و حقوق خود را به دست حکومت بسپارند (Ioris, 2014)، زیرا در نظریه هابز، مردم توانایی و صلاحیت کافی برای فهم اصول عقلانی سیاستی را ندارند (هابز، ۱۳۸۹).

۲. روش تحقیق

بدیهی است که توجه به چشم‌انداز و افق بلندمدت و سیاست‌های کلان کشور، یکی از اصول اساسی و بنیادین تدوین، تصویب و اجرای قوانین و مقررات محیط زیستی است (دفتر حقوقی سازمان حفاظت محیط زیست، بی تا: ۲۳). از این رو قابل توجه‌ترین تغییر در پیکره‌بندی حاکمیت محیط زیستی را می‌توان در ماده‌واحد‌های قوانین و مقررات دید (Ioris, 2014). از روی قوانین رایج در کشور می‌توان حدود قدرتی را که به نماینده سازمان‌های سیاسی اعطا می‌شود را شناخت و معانی مورد نظر قانونگذار را درک کرد. بنابراین همه قوانین نیازمند تفسیر هستند (هابز، ۱۳۸۹) و با تحلیل و بررسی قوانین و مقررات محیط زیستی می‌توان میزان تغییرات و روند تکاملی حاکمیت محیط زیستی را مشخص کرد. در پژوهش حاضر برای تعیین روند تکاملی رویکردهای مقررات‌گذاری، روش تحلیل محتوای کیفی به عنوان روش‌شناسی انتخاب شد، چرا که تحلیل محتوای نوعی روش پژوهشی است که به محقق اجازه می‌دهد با دیدن معانی، خصوصیات نمادها و محتوای پرمعنای آنها به تجزیه و تحلیل داده‌هایی که به طور نسبی ساختار ندارند، بپردازد (Krippendorff, 2004) و از طریق فرایند طبقه‌بندی منظم مضامین یا الگوهای کدگذاری شده، مفاهیم مورد نیاز پژوهش را از متن مورد مطالعه استخراج کند و به تفسیر ذهنی محتوای آنها بپردازد. این روش قادر است با تفسیر محتوای پنهانی متن و داده‌ها به کشف معانی بنیادین در پیام کمک کند (تبریزی، ۱۳۹۳: ۱۱۵). در راستای نیل به حصول نتایج، نخست تمامی واژه‌هایی که نشان‌دهنده سیاست اجبار (مانند موظف است، مکلف است، حق ندارد و...) و غیراجبار (مانند مجاز است، بلامانع است، می‌تواند و...) بودند از متن قوانین محیط زیستی استخراج شدند که در جدول‌های ۲ تا ۴ نمونه‌هایی از نتایج آن آمده است. در گام بعدی، براساس تعداد تکرار واژه‌های اجبار و غیراجبار (جدول ۵)، نمودار فراوانی ادبیات اجبار و غیراجبار در هر یک از قوانین با استفاده از نرم‌افزار تحلیل محتوای

کیفی MaxQda ترسیم شد که در نمودار ۱ نشان داده شده‌اند.

گفتنی است نگارندگان ادبیات اجبار و غیراجبار را در سه قانون به این شرح ارائه کرده‌اند:

اصلاحات ارضی: یکی از پروژه‌های بزرگ اقتصادی حکومت با آثار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بود (اکبری و لیلاز مهرآبادی، ۱۳۸۹: ۵)، تأثیرات زیادی در افزایش مداخلات حکومت داشت (هوگلاند، ۱۳۹۲: ۲۱۹)، تحولاتی را در ایدئولوژی‌های رسمی حکومت به وجود آورد (بشیریه، ۱۳۸۷) و جامع‌ترین و جدی‌ترین اقدام حاکمیتی در تاریخ کشاورزی ایران محسوب می‌شود (افتخار جهرمی و محمودیان، ۱۳۹۷: ۱).

قانون هوای پاک: به رغم وضع قوانین و آیین‌نامه‌های مختلف، آلودگی هوا همچنان یکی از چالش‌های محیط زیستی هرساله به ویژه در کلان‌شهرهاست، قانون هوای پاک نسبت به قوانین قبلی که در خصوص کاهش آلودگی هوا تصویب شده‌اند، جامع‌تر و کامل‌تر است.

قانون حفاظت از خاک: اهمیت خاک به عنوان محور اصلی تأمین امنیت غذایی و مؤلفه مهم زیستی (FAO, 2019)، اهمیت موضوع فرسایش در کشور به دلیل وقوع سیلاب‌های متعدد در سال‌های اخیر، در خصوص حفاظت از خاک قانونی جامع و فراگیر وجود ندارد، اولین قانون جامع و کامل در رابطه با خاک است، جدیدترین سیاستگذاری در عرصه مدیریت محیط زیست و منابع طبیعی است (پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان حفاظت از محیط زیست، ۱۳۹۹).

جدول ۱. قوانین و مقررات انتخاب شده برای تحلیل محتوا

عنوان قانون	سال تصویب	تعداد مواد	مرجع تصویب
قانون اصلاحات ارضی	۱۳۴۰	۲۸	هیئت وزیران
لایحه قانونی ملی شدن جنگل‌ها	۱۳۴۱	۱۴	هیئت وزیران
قانون حفظ و حراست منابع آب‌های زیرزمینی کشور	۱۳۴۵	۱۵	مجلس شورای ملی
قانون شکار و صید	۱۳۴۶	۳۱	مجلس شورای ملی
قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع	۱۳۴۶	۶۷	مجلس شورای ملی
قانون آب و نحوه ملی شدن آن	۱۳۴۷	۶۶	مجلس شورای ملی
قانون حفظ و گسترش فضای سبز و جلوگیری از قطع بی‌رویه درخت	۱۳۵۲	۱۲	مجلس شورای ملی
قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست	۱۳۵۳	۲۱	مجلس شورای ملی
آیین‌نامه جلوگیری از آلودگی هوا	۱۳۵۴	۳۸	مجلس شورای ملی
قانون توزیع عادلانه آب	۱۳۶۱	۵۲	مجلس شورای اسلامی
قانون حفظ و حمایت منابع طبیعی و ذخایر جنگلی	۱۳۷۰	۳	مجلس شورای اسلامی
قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا	۱۳۷۴	۳۶	مجلس شورای اسلامی
آیین‌نامه اصلاحی آمادگی و مقابله با آثار زیان‌بار پدیده گردوغبار (ریزگرد) در کشور	۱۳۹۱	۲۴	هیئت وزیران
قانون هوای پاک	۱۳۹۶	۳۴	مجلس شورای اسلامی
قانون حفاظت از خاک	۱۳۹۸	۲۶	مجلس شورای اسلامی

مأخذ: سامانه ملی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران و مرکز پژوهش‌های مجلس.

۳. نتایج

تحلیل محتوای سه قانون اصلاحات ارضی، هوای پاک و حفاظت از خاک نشان می‌دهد که وجه سیاست اجبار در تدوین این قانون‌ها نسبت به سیاست غیراجبار بسیار پررنگ‌تر است و نهاد قانونگذار، هر سه قانون را با رویکرد اجباری به رشته تحریر درآورده است. نهاد قانونگذار در هر سه قانون، اعمال اجبار را بیشتر با واژه «مکلف» نشان داده است که در قانون اصلاحات ارضی ۹ بار، در قانون هوای پاک ۳۰ بار و در قانون حفاظت از خاک ۱۶ بار تکرار شده است. واژه «می‌تواند» با ۱۲ بار تکرار در قانون اصلاحات ارضی، نقش بیشتری در نشان دادن سیاست غیراجبار در این قانون دارد که باعث شده است قانون اصلاحات ارضی نسبت به دو قانون دیگر وجه غیراجباری بیشتری داشته باشد. در قانون حفاظت از خاک با اینکه نهادهای دولتی نیز تحت ادبیات اجبار قرار دارند، اما واژه‌هایی مانند «مجازات» و «باید» که بار اجباری شدیدتری نسبت به سایر واژه‌ها دارند، تنها برای «اشخاص حقیقی و حقوقی» یا همان «مردم» استفاده شده است و هرگونه تخلف یا کوتاهی از سوی زیرمجموعه‌های دولت نادیده گرفته شده است، درحالی‌که در قانون اصلاحات ارضی برای کوتاهی و تخلف «مأمورین دولت» و در قانون هوای پاک برای «مأمورین و مسئولان دولتی»، «نهادهای و سازمان‌های دولتی» و «بخش‌های غیردولتی» نیز «مجازات»‌هایی در نظر گرفته شده است.

جدول ۲. ادبیات اجبار و غیراجبار در قانون اصلاحات ارضی (۱۳۴۰)

ردیف	قانون	ادبیات اجبار	ادبیات غیراجبار	سازمان ها و نهادها
۱	ماده (۲)	-	می تواند	مالک
۲	ماده (۲)	-	به میل خود	مالک
۳	ماده (۲) تبصره «۱»	نباید	-	اشخاص حقیقی و حقوقی
۴	ماده (۳) بند «۱»	-	می تواند	کمیسیون اصلاحات ارضی استان
۵	ماده (۳) بند «۱»	-	انتخاب کند	مالک
۶	ماده (۳) بند «۳»	-	می تواند	مالک
۷	ماده (۳) بند «۳»	مشروط بر	-	مالک
۸	ماده (۳) بند «۵»	-	می توانند	مدارس و تأسیسات علمی
۹	ماده (۳) بند «۷»	-	می تواند	هیئت عالی اصلاحات ارضی
۱۰	ماده (۳) بند «۷»	-	بخواهند	مالک یا مالکین
۱۱	ماده (۳) بند «۸»	-	می تواند	هیئت عالی اصلاحات ارضی
۱۲	ماده (۳) بند «۸»	باید	-	متقاضی زمین
۱۳	ماده (۴)	مکلف است	-	اشخاص حقیقی و حقوقی
۱۴	ماده (۴)	مکلف اند	-	سردفتران اسناد رسمی
۱۵	ماده (۴)	باید	-	انتقال دهنده
۱۶	ماده (۴) تبصره «۱»	مکلف است	-	انتقال دهنده
۱۷	ماده (۴) تبصره «۲»	-	می تواند	مالک
۱۸	ماده (۱۰)	موظف اند	-	اشخاص حقیقی و حقوقی
۱۹	ماده (۱۰)	مجازات	-	اشخاص حقیقی و حقوقی
۲۰	ماده (۱۰) تبصره «۱»	مکلف اند	-	اصحاب دعوی
۲۱	ماده (۱۴)	موظف است	-	دولت
۲۲	ماده (۱۵) بند «الف» تبصره	مکلف است	-	کمیسیون اصلاحات ارضی استان
۲۳	ماده (۱۵) بند «ب»	موظف است	-	مالک
۲۴	ماده (۱۵) بند «ب»	-	می تواند	طلبکار

ردیف	قانون	ادبیات اجبار	ادبیات غیر اجبار	سازمان‌ها و نهادها
۲۵	ماده (۱۶)	-	می‌توانند	مالکین
۲۶	ماده (۱۶)	رسیدگی قضایی	-	دادگاه
۲۷	ماده (۱۷)	مکلف است	-	مالک یا نماینده قانونی او
۲۸	ماده (۱۸)	موظف است	-	دولت
۲۹	ماده (۱۹) تبصره	حق ندارند	-	نمایندگان مجلسین
۳۰	ماده (۲۰)	باید	-	اشخاصی که زمین می‌گیرند
۳۱	ماده (۲۲)	نمی‌توانند	-	اشخاصی که زمین گرفته‌اند
۳۲	ماده (۲۴)	ممنوع است	-	اشخاص حقیقی و حقوقی
۳۳	ماده (۲۴)	-	می‌تواند	هر کشاورز
۳۴	ماده (۲۴)	-	می‌تواند	هر کشاورزی
۳۵	ماده (۲۶)	مکلف است	-	بانک کشاورزی ایران
۳۶	ماده (۳۰)	موظف است	-	دولت
۳۷	ماده (۳۱) بند «الف»	-	می‌توانند	کشاورزان
۳۸	ماده (۳۱) بند «ب»	-	بخواهد	مالک
۳۹	ماده (۳۱) بند «ب»	مکلف‌اند	-	مالک
۴۰	ماده (۳۱) بند «ب» تبصره	موظف است	-	مالک
۴۱	ماده (۳۳)	موظف است	-	وزارت کشاورزی
۴۲	ماده (۳۵)	باید	-	مالکین و زارعین
۴۳	ماده (۳۵)	مجازات	-	مالکین و زارعین
۴۴	ماده (۳۶)	مجازات	-	مأمورین دولت
۴۵	ماده (۳۷)	مکلف‌اند	-	کارشناسانی که طبق ماده (۱۶) قانون سازمان برنامه انتخاب می‌شوند
۴۶	ماده (۳۷)	باید	-	دولت

جدول ۳. ادبیات اجبار و غیراجبار در قانون هوای پاک (۱۳۹۶)

ردیف	قانون	ادبیات اجبار	ادبیات غیراجبار	سازمان ها و نهادها
۱	ماده (۲)	موظف‌اند	-	تمامی اشخاص، دستگاه‌ها و مؤسسات اعم از دولتی و غیردولتی و دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر و یا تصریح نام است و تمامی اشخاص مستقر در مناطق آزاد تجاری - صنعتی، مناطق ویژه اقتصادی، شهرک‌ها و نواحی صنعتی
۲	ماده (۳)	باید	-	سازمان حفاظت محیط زیست با همکاری وزارت کشور
۳	ماده (۳) تبصره «۱»	مجازات	-	واحدهای مشمول متمرکز از دستور سازمان حفاظت محیط زیست و دارندگان وسایل نقلیه موتوری
۴	ماده (۳) تبصره «۱»	اقدام قانونی	-	سازمان حفاظت محیط زیست و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران
۵	ماده (۳) تبصره «۲»	موظف‌اند	-	تمامی دستگاه‌ها و ارگان‌های ذی ربط
۶	ماده (۳) تبصره «۲»	مجازات	-	مسئولان و مدیران مستنکف
۷	ماده (۳) تبصره «۳»	موظف است	-	سازمان حفاظت محیط زیست
۸	ماده (۴)	مستلزم	-	تولیدکنندگان و واردکنندگان انواع وسایل نقلیه موتوری
۹	ماده (۴)	برخورد قانونی	-	متخلفان
۱۰	ماده (۴)	مستلزم	-	نهادها و مراکز شماره‌گذاری انواع وسایل نقلیه موتوری
۱۱	ماده (۴)	موظف است	-	سازمان حفاظت محیط زیست

ردیف	قانون	ادبیات اجبار	ادبیات غیر اجبار	سازمان ها و نهادهای
۱۲	ماده (۴)	ممنوع است	-	فروشنندگان وسایل نقلیه موتوری
۱۳	ماده (۴) تبصره	مکلف است	-	سازمان حفاظت محیط زیست
۱۴	ماده (۵)	مکلفاند	-	تمامی خودروسازهای داخلی و واردکنندگان خودروهای خارجی
۱۵	ماده (۵) تبصره	مکلفاند	-	واردکنندگان و عرضه‌کنندگان خودروهای خارجی
۱۶	ماده (۶)	الزامی است	-	بخش‌های دولتی، عمومی و غیردولتی
۱۷	ماده (۶) تبصره «۱»	موظف است	-	راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی
۱۸	ماده (۶) تبصره «۱»	مجازات	-	دارنده خودرو
۱۹	ماده (۶) تبصره «۲»	مجازات	-	متصدیان و کارکنان مراکز مجاز معاینه فنی و یا مأموران و ناظران بر عملکرد آنان
۲۰	ماده (۶) تبصره «۳»	مجازات	-	مراکز معاینه فنی
۲۱	ماده (۶) تبصره «۶»	مکلفاند	-	فروشنندگان خودرو
۲۲	ماده (۷)	موظفاند	-	شهرداری‌ها، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، وزارتخانه‌ها و سازمان‌های ذی‌ربط
۲۳	ماده (۸)	مکلفاند	-	تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی مالک وسایل نقلیه موتوری اعم از سبک، نیمه‌سنگین، سنگین و موتورسیکلت
۲۴	ماده (۸)	ممنوع است	-	تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی مالک وسایل نقلیه موتوری اعم از سبک، نیمه‌سنگین، سنگین و موتورسیکلت
۲۵	ماده (۸)	مجازات	-	مالک خودروهای فرسوده

ردیف	قانون	ادبیات اجبار	ادبیات غیر اجبار	سازمان‌ها و نهادها
۲۶	ماده (۸) تبصره «۱»	موظف است	-	دولت
۲۷	ماده (۸) تبصره «۲»	مکلف است	-	دولت
۲۸	ماده (۹)	موظف است	-	وزارت کشور
۲۹	ماده (۱۰)	موظف است	-	وزارت کشور
۳۰	ماده (۱۱)	موظف است	-	سازمان حفاظت محیط زیست
۳۱	ماده (۱۱) تبصره «۱»	مکلف است	-	کمیسیون استانی با عضویت یکی از معاونان استاندار (رئیس)، مدیرکل محیط زیست استان (دبیر)، مدیرکل استاندارد و تحقیقات صنعتی استان، مدیرکل صنعت، معدن و تجارت استان، رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان، مدیرکل سازمان بازرسی استان و فرماندار مربوطه
۳۲	ماده (۱۱) تبصره «۲»	مجازات	-	متخلفان از مصوبات و تصمیمات سازمان و کمیسیون
۳۳	ماده (۱۱) تبصره «۲»	مکلف‌اند	-	متخلفان از مصوبات و تصمیمات سازمان و کمیسیون
۳۴	ماده (۱۱) تبصره «۳»	موظف‌اند	-	واحدها و پروژه‌های بزرگ و متوسط در حال فعالیت یا جدید
۳۵	ماده (۱۱) تبصره «۴»	مکلف‌اند	-	کلیه مراکز، واحدهای صنعتی و تولیدی
۳۶	ماده (۱۱) تبصره «۴»	حسب تشخیص	-	سازمان حفاظت محیط زیست
۳۷	ماده (۱۲)	مکلف است	-	سازمان حفاظت محیط زیست
۳۸	ماده (۱۲) تبصره «۲»	مجازات	-	متخلف

ردیف	قانون	ادبیات اجبار	ادبیات غیراجبار	سازمان‌ها و نهادها
۳۹	ماده (۱۲) تبصره «۲»	مجازات	-	مسئولان و مدیران کارخانجات، واحدها و کارگاه‌های تولیدی، صنایع نفتی و گازی، نیروگاه‌ها و سایر واحدهای تولیدی، خدماتی و معدنی آلوده‌کننده
۴۰	ماده (۱۳)	موظف‌اند	-	مراکز صنعتی، تولیدی، عملیات معدنی، خدماتی، عمومی و کارگاهی اعم از دولتی و غیردولتی
۴۱	ماده (۱۳)	مکلف‌اند	-	مراکز صنعتی، تولیدی، عملیات معدنی، خدماتی، عمومی و کارگاهی اعم از دولتی و غیردولتی
۴۲	ماده (۱۴)	-	تشخیص دهد	سازمان حفاظت محیط زیست
۴۳	ماده (۱۴)	موظف‌اند	-	مالکان و مدیران مراکز صنعتی، تولیدی، معدنی، خدماتی، عمومی و کارگاهی
۴۴	ماده (۱۴)	مجازات	-	مستنکف
۴۵	ماده ۱۵	مکلف‌اند	-	شهرک‌ها، مراکز و واحدهای صنعتی و تولیدی جدیدالاحداث
۴۶	ماده (۱۶)	مجازات	-	کسانی که از انجام بازرسی مأموران سازمان برای نمونه‌برداری و تعیین میزان آلودگی ناشی از فعالیت مراکز صنعتی، تولیدی، معدنی، خدماتی، عمومی و کارگاهی ممانعت کنند
۴۷	ماده (۱۶) تبصره «۱»	مکلف‌اند	-	تمامی مراکز و واحدهای متوسط پنجاه نفر به بالا
۴۸	ماده (۱۶) تبصره «۲»	مجازات	-	آزمایشگاه‌های معتمد و همکار
۴۹	ماده (۱۷)	ملزم هستند	-	تمامی بهره‌برداران منابع ثابت آلوده‌کننده هوا
۵۰	ماده (۱۷)	مکلف‌اند	-	تمامی بهره‌برداران منابع ثابت آلوده‌کننده هوا
۵۱	ماده (۱۷)	ملزم هستند	-	تمامی بهره‌برداران منابع ثابت آلوده‌کننده هوا
۵۲	ماده (۱۷) تبصره «۱»	مجازات	-	مالکان، مسئولان یا رؤسای مراکز اداری، بهداشتی، درمانی، خدماتی، عمومی و تجاری که موجبات آلودگی هوا را فراهم کنند

ردیف	قانون	ادبیات اجبار	ادبیات غیر اجبار	سازمان ها و نهادها
۵۳	ماده (۱۷) تبصره «۲»	مجازات	-	منابع آلاینده خانگی
۵۴	ماده (۱۸)	مکلف است	-	وزارت نفت
۵۵	ماده (۱۸)	مکلف است	-	سازمان حفاظت محیط زیست
۵۶	ماده (۱۸)	موظف است	-	سازمان ملی استاندارد
۵۷	ماده (۱۸)	موظف اند	-	وزارت نفت، سازمان ملی استاندارد ایران و سازمان حفاظت محیط زیست
۵۸	ماده (۱۹)	مکلف است	-	وزارت نیرو
۵۹	ماده (۲۰)	ممنوع است	-	بیمارستان ها و صنایع
۶۰	ماده (۲۰)	مجازات	-	متخلف
۶۱	ماده (۲۰)	مکلف است	-	وزارت جهاد کشاورزی
۶۲	ماده (۲۰) تبصره «۲»	موظف اند	-	دولت و شهرداری ها
۶۳	ماده (۲۱)	موظف است	-	وزارت راه و شهرسازی
۶۴	ماده (۲۲)	موظف اند	-	شهرداری های شهرهای بالای پنجاه هزار نفر جمعیت
۶۵	ماده (۲۲)	موظف است	-	وزارت نیرو
۶۶	ماده (۲۳)	مکلف است	-	دولت
۶۷	ماده (۲۴)	مکلف است	-	وزارت جهاد کشاورزی (سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری)
۶۸	ماده (۲۴)	مکلف است	-	دولت

ردیف	قانون	ادبیات اجبار	ادبیات غیر اجبار	سازمان‌ها و نهادها
۶۹	ماده (۲۵)	مکلف است	-	سازمان حفاظت محیط زیست
۷۰	ماده (۲۶)	مکلف است	-	وزارت راه و شهرسازی (سازمان هواشناسی کشور) با همکاری سازمان
۷۱	ماده (۲۷)	مکلف‌اند	-	وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی (سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری)، راه و شهرسازی
۷۲	ماده (۲۷) تبصره «۱»	مکلف است	-	وزارت نیرو
۷۳	ماده (۲۷) تبصره «۲»	مکلف است	-	وزارت کشور (سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور)
۷۴	ماده (۲۸)	مکلف‌اند	-	سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران و سایر رسانه‌های دولتی
۷۵	ماده (۲۹)	ممنوع است	-	(اشخاص حقیقی و حقوقی)
۷۶	ماده (۲۹)	مجازات	-	مرتکب
۷۷	ماده (۲۹) تبصره «۱»	مکلف است	-	نیروی انتظامی
۷۸	ماده (۲۹) تبصره «۱»	مجازات	-	راننده وسایل نقلیه موتوری
۷۹	ماده (۳۰)	مکلف است	-	سازمان حفاظت محیط زیست
۸۰	ماده (۳۰)	مجازات	-	اشخاص حقیقی و حقوقی
۸۱	ماده (۳۱)	مکلف‌اند	-	نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و یگان حفاظت سازمان
۸۲	ماده (۳۲)	رسیدگی قضایی	-	رئیس قوه قضائیه

جدول ۴. ادبیات اجبار و غیراجبار در قانون حفاظت از خاک (۱۳۹۸)

ردیف	قانون	ادبیات اجبار	ادبیات غیراجبار	سازمان‌ها و نهادها
۱	ماده (۲)	موظف است	-	وزارت جهاد کشاورزی با همکاری سازمان خط‌مشی‌های مدیریت، حفاظت و بهره‌برداری پایدار از خاک
۲	ماده (۳)	باید	-	بهره‌برداران از خاک (اشخاص حقیقی و حقوقی)
۳	ماده (۴)	مکلف است	-	سازمان برنامه و بودجه با همکاری وزارت جهاد کشاورزی و سازمان حفاظت محیط زیست
۴	ماده (۵)	مکلف‌اند	-	کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، مؤسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی، شرکت‌های دولتی، شرکت ملی نفت ایران، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، بانک مرکزی، بانک‌ها و بیمه‌های دولتی
۵	ماده (۶)	موظف است	-	وزارت جهاد کشاورزی با همکاری سازمان نقشه‌برداری
۶	ماده (۷)	مکلف‌اند	-	وزارت جهاد کشاورزی
۷	ماده بند «پ» (۷)	مکلف‌اند	-	وزارت جهاد کشاورزی با همکاری سازمان حفاظت محیط زیست، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزارت نیرو، وزارت صنعت، معدن و تجارت، سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور
۸	ماده تبصره «۱» (۷)	مکلف‌اند	-	کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، مؤسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی، شرکت‌های دولتی، شرکت ملی نفت ایران، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، بانک مرکزی، بانک‌ها و بیمه‌های دولتی
۹	ماده تبصره «۲» (۷)	حق دارد (نظارت و تأیید)	-	وزارت جهاد کشاورزی
۱۰	ماده تبصره «۳» (۷)	موظف است	-	وزارت جهاد کشاورزی

ردیف	قانون	ادبیات اجبار	ادبیات غیراجبار	سازمان‌ها و نهادها
۱۱	ماده (۸)	موظف است	-	وزارت جهاد کشاورزی
۱۲	ماده (۹) بند «الف»	مکلف است	-	سازمان ملی استاندارد
۱۳	ماده (۹) بند «الف»	اقدام [قانونی]	-	سازمان ملی استاندارد با همکاری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان حفاظت محیط زیست و وزارت جهاد کشاورزی
۱۴	ماده (۹) بند «ب»	مکلف است	-	وزارت جهاد کشاورزی با همکاری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان حفاظت محیط زیست
۱۵	ماده (۹) بند «ج»	مکلف است	-	وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با همکاری سازمان حفاظت محیط زیست
۱۶	ماده (۹) تبصره	مجازات	-	مردم
۱۷	ماده (۹) تبصره	مکلف است	-	مجرم (اشخاص حقیقی و حقوقی)
۱۸	ماده (۱۰)	مسئولیت مدیریت و نظارت	-	وزارت جهاد کشاورزی
۱۹	ماده (۱۱)	مکلف است	-	سازمان حفاظت محیط زیست
۲۰	ماده (۱۲)	مکلف است	-	وزارت جهاد کشاورزی و سازمان حفاظت محیط‌زیست با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط
۲۱	ماده (۱۲)	اقدام [قانونی]	-	وزارت جهاد کشاورزی و سازمان حفاظت محیط زیست با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط
۲۲	ماده (۱۳)	مکلف‌اند	-	بهره‌برداران (اشخاص حقیقی و حقوقی)

ردیف	قانون	ادبیات اجبار	ادبیات غیراجبار	سازمان ها و نهادها
۲۳	ماده (۱۳) تبصره «۱»	موظف اند	-	مدیران سازمان های مناطق آزاد تجاری - صنعتی و ویژه اقتصادی و شهرک ها و نواحی صنعتی
۲۴	ماده (۱۴)	مکلف است	-	آلوده کننده (اشخاص حقیقی و حقوقی)
۲۵	ماده (۱۴)	مجازات	-	مستتکف از ارائه گزارش (اشخاص حقیقی و حقوقی)
۲۶	ماده (۱۵)	مکلف است	-	سازمان حفاظت محیط زیست
۲۷	ماده (۱۵)	اقدام [قانونی]	-	سازمان حفاظت محیط زیست
۲۸	ماده (۱۵)	می توانند	-	اشخاص ذی نفع (اشخاص حقیقی و حقوقی)
۲۹	ماده (۱۵)	مجازات	-	مستتکف (اشخاص حقیقی و حقوقی)
۳۰	ماده (۱۵) تبصره	اقدام [قانونی]	-	سازمان حفاظت محیط زیست
۳۱	ماده ۱۵ تبصره	مجازات	-	آلوده کننده (اشخاص حقیقی و حقوقی)
۳۲	ماده (۱۶)	مکلف اند	-	تخریب کنندگان خاک (اشخاص حقیقی و حقوقی)
۳۳	ماده (۱۶)	مجازات	-	مستتکف (اشخاص حقیقی و حقوقی)
۳۴	ماده (۱۸)	موظف اند	-	واحدها بزرگ تولیدی، صنعتی، عمرانی، خدماتی، زیربنایی و معدنی
۳۵	ماده (۱۸) تبصره «۲»	موظف است	-	سازمان حفاظت محیط زیست با همکاری دستگاه های ذی ربط

ردیف	قانون	ادبیات اجبار	ادبیات غیراجبار	سازمان‌ها و نهادها
۳۶	ماده (۱۹)	مجازات	-	مرتکب (اشخاص حقیقی و حقوقی)
۳۷	ماده (۲۱)	مجازات	-	مرتکب (اشخاص حقیقی و حقوقی)
۳۸	ماده (۲۱)	الزامی	-	وزارت مذکور
۳۹	ماده (۲۱) تبصره	بلامانع است	-	دانشگاه و واحد پژوهشی
۴۰	ماده (۲۲)	اقدام / رسیدگی قضایی	-	قوه قضائیه
۴۱	ماده (۲۴)	مکلف‌اند	-	سازمان صداوسیما و سایر رسانه‌های دولتی

تعداد تکرار واژه‌های اجبار و غیراجبار در قوانین و مقررات مختلف نشان می‌دهد که تعداد تکرار واژه‌های اجباری چندین برابر واژه‌های غیراجباری است، به جز لایحه قانونی ملی شدن جنگل‌ها که تعداد واژه‌های غیراجباری در آن دوبرابر واژه‌های اجباری است. همچنین نهادهای قانونگذار در بیشتر قوانین و مقررات محیط زیستی، رویکردهای دستور و کنترلی جریمه نقدی و حبس را راهکار مناسبی برای مقابله با مسائل و مشکلات محیط زیستی می‌دانند.

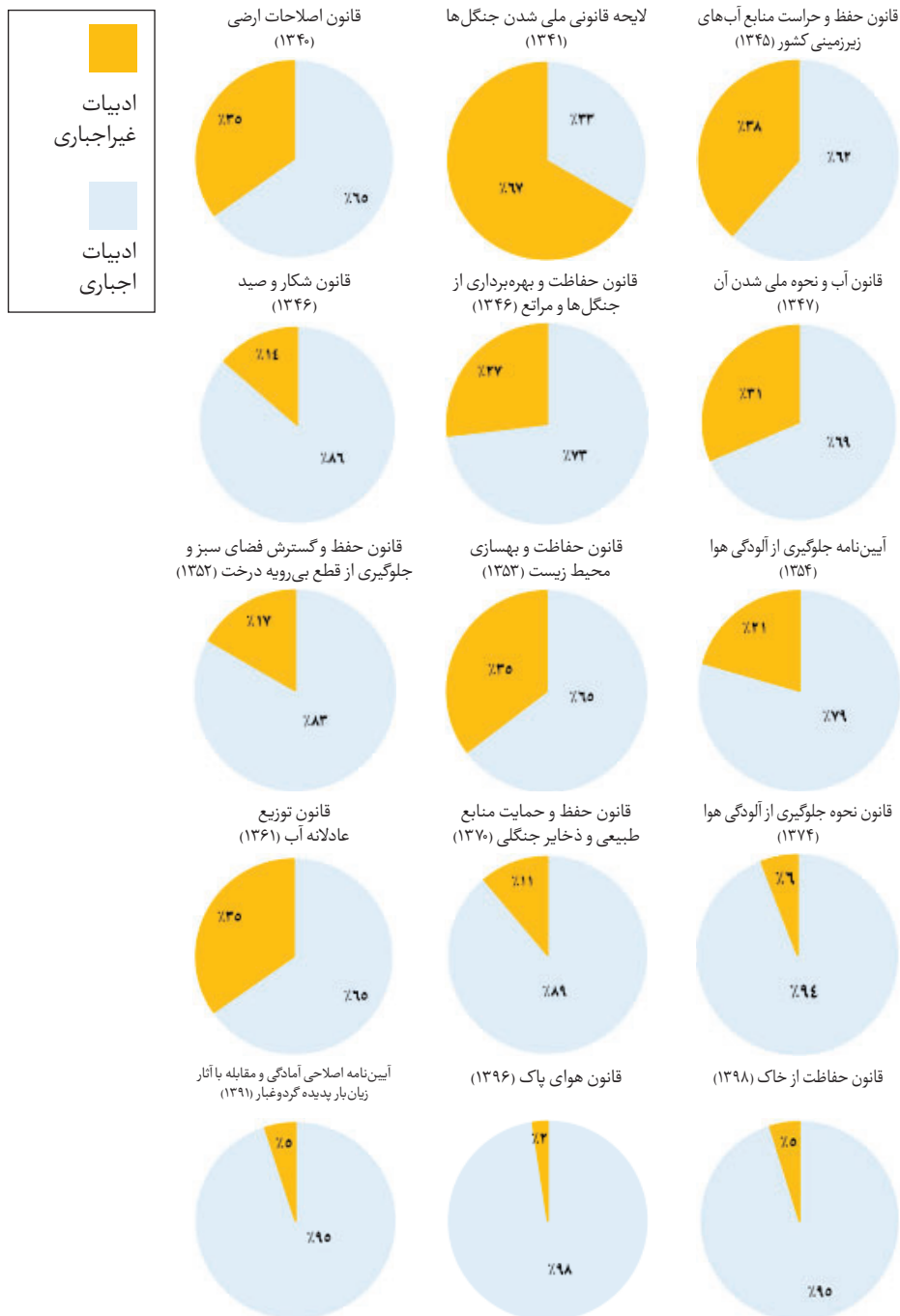
جدول ۵. خلاصه نهادواژه‌های اجبار و غیراجبار در قوانین و مقررات

عنوان قانون	تعداد تکرار واژه‌های		رویکردهای دستور و کنترل
	اجبار	غیراجبار	
قانون اصلاحات ارضی	۳۰	۱۶	پرداخت جریمه و غرامت نقدی، حداکثر مجازاتی که برای آن جرم در قوانین دیگر مقرر است
لایحه قانونی ملی شدن جنگل‌ها	۷	۱۴	-
قانون حفظ و حراست منابع آب‌های زیرزمینی کشور	۱۶	۱۰	لغو پروانه بهره‌برداری، جلوگیری از ادامه حفر چاه و قنات برای بهره‌برداری
قانون شکار و صید	۱۹	۳	جریمه نقدی، حبس تأدیبی
قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع	۱۰۶	۳۹	جریمه نقدی و پرداخت غرامت، حبس تأدیبی، حبس تکدی، حبس مجرد، استفاده از مقررات اجرایی آیین‌نامه وصول جرائم قاچاق، محرومیت از حق رانندگی، استفاده از ماده (۹۹) قانون مجازات عمومی، تنزل مقام تا یک پایه، حبس جنحه
قانون آب و نحوه ملی شدن آن	۷۰	۳۲	جریمه نقدی، حبس تأدیبی، حبس با اعمال شاقه
قانون حفظ و گسترش فضای سبز و جلوگیری از قطع بی‌رویه درخت	۱۵	۳	جریمه نقدی، حبس جنحه
قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست	۱۱	۶	جریمه نقدی، حبس جنحه
آیین‌نامه جلوگیری از آلودگی هوا	۳۱	۸	جریمه نقدی
قانون توزیع عادلانه آب	۴۷	۲۵	حبس تأدیبی، ضربه شلاق
قانون حفظ و حمایت منابع طبیعی و ذخایر جنگلی	۸	۱	حبس از یک تا ۶ ماه، پرداخت جزای نقدی، اشد مجازات مقرر در قوانین و مقررات مربوطه
قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا	۳۲	۲	جزای نقدی، حبس تعزیری

رویکردهای دستور و کنترل	تعداد تکرار واژه‌های		عنوان قانون
	غیر اجبار	اجبار	
-	۱	۱۹	آیین‌نامه اصلاحی آمادگی و مقابله با آثار زیان‌بار پدیده گردوغبار
جریمه نقدی، توقف واحدها، اجرای ماده (۵۷۶) قانون مجازات اسلامی، ضبط اموال و تجهیزات مرتبط، جزای نقدی درجه چهار، درجه شش، درجه هفت و درجه هشت موضوع ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی، جزای نقدی معادل ۳ درصد درآمد سالانه ناخالص، جریمه نقدی معادل سه تا پنج برابر خسارات وارده به محیط زیست، تعلیق پروانه فعالیت از یک ماه تا یک سال، لغو دائم پروانه فعالیت، تعطیلی موقت، تعلیق یا لغو امتیاز، حداکثر مجازات	۲	۸۰	قانون هوای پاک
جزای نقدی، توقف فعالیت، مجازات‌های تعزیری درجه پنج قانون مجازات اسلامی	۲	۳۹	قانون حفاظت از خاک

بررسی نمودارهای فراوانی ادبیات اجبار و غیراجباری نشان می‌دهد، وقوع انقلاب اسلامی و تغییر حکومت پهلوی به حکومت جمهوری اسلامی باعث تغییر رویکردهای نهادهای قانونگذار در هنگام تدوین قوانین نشده است. به عبارت دیگر در تمامی زمان‌ها نهادهای مقررات‌گذاری از ابزارهای اجباری برای حفاظت از محیط زیست استفاده می‌کنند. در سال‌های اخیر نیز تکیه حکومت بر کاربرد این ابزارها نیز بیشتر شده است، به طوری که فراوانی ادبیات اجبار در قانون هوای پاک و قانون حفاظت از خاک به ترتیب ۹۸ و ۹۵ درصد است.

نمودار ۱. نمودار فراوانی ادبیات اجبار و غیراجبار در متن قوانین و مقررات محیط زیستی



۴. جمع بندی و نتیجه‌گیری

تحلیل محتوای ادبیات اجبار و غیراجبار قوانین و مقررات محیط زیستی از سال ۱۳۴۰ تا حال حاضر نشان می‌دهد با وجودی که در این مدت گروه‌ها و جوامع مختلفی با محیط زیست در ارتباط بودند و دولت‌های مختلف، نگاه‌های متفاوتی به محیط زیست و منابع طبیعی داشتند؛ اما در تمامی زمان‌ها، نگاه نهادهای قانونگذار برای حفاظت از محیط زیست و ابزارهای آنها برای تدوین مقررات محیط زیستی بر رویکرد سنتی دستور، کنترل و اعمال سیاست اجبار متمرکز است. همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده شد، در تمامی قوانین و مقررات محیط زیستی وجه ادبیات اجبار بسیار پررنگ‌تر از ادبیات غیراجبار است. این امر به آن معناست که حقوق محیط زیست ایران، در مقرراتگذاری اولویت را به ابزارهای سنتی دستور، کنترل و اعمال سیاست اجباری داده است. حتی با وقوع انقلاب اسلامی که نقطه عطف بنیادینی در تاریخ کشور بود و باعث تغییر حکومت پهلوی به حکومت جمهوری اسلامی شد؛ ابزارهای دولت‌های بعد از انقلاب برای اعمال حکمرانی محیط زیستی، همچنان مبتنی بر رویکردهای سنتی دستور و کنترل است. پُررنگ بودن وجه ادبیات اجبار از اجرای اصلاحات ارضی تا حال حاضر، بیان‌کننده این موضوع است که تفاوت شکلی و انواع دولت‌ها و سازمان‌های سیاسی بعد از انقلاب اسلامی، اثر چندانی بر انتخاب ابزارها و رویکردهای حفاظت از محیط زیست نداشته است و همه دولت‌ها بر اعمال سیاست اجبار متمرکز داشتند. این امر به آن معناست که تغییرات سیاسی همچون تغییر نظام سیاسی، برکناری و تغییر دمکراتیک دولت و مجلس بر بستر انتخابات و همچنین تغییرات اقتصادی و توسعه‌ای همچون رشد اقتصادی، تغییر شیوه تولید از کشاورزی به صنعتی و تغییر میزان تولید و قیمت نفت، بر تغییر ابزارهای دولت‌ها برای پاسخ به چالش‌های محیط زیستی تأثیر چندانی نداشته است. در نتیجه همه دولت‌ها رویکردهای ایدئولوژیکی یکسانی برای حفاظت از محیط زیست داشتند. می‌توان گفت که

این تغییرات سیاسی و روند توسعه اقتصادی باعث تکامل و تسلط مدل حاکمیت محیط زیستی‌ای شده است که بر کاربرد رویکردهای دستور و کنترل و اعمال سیاست اجبار تمرکز دارد. چرا که با گذشت زمان، تشویق به انجام رفتارهای محیط زیست‌گرایانه و رویکردهای غیراجباری و منعطف کمتر مورد توجه قرار گرفته است و فراوانی استفاده از ادبیات اجبار در جدیدترین سیاست‌گذارهای عرصه مدیریت محیط زیست و منابع طبیعی به ۹۸ و ۹۵ درصد می‌رسد. تمرکز نهادهای قانونگذار بر قواعد و تصمیمات الزام‌آور و روند رو به افزایش عوامل اجباری در متن سیاست‌های محیط زیستی در دولت‌های مختلف نشان می‌دهد که رویکردهای دستور و کنترل، تنها رویکردهایی هستند که دولت‌ها با بیشترین تمرکز بر کاربرد آنها، هرگونه بی‌نظمی و سوءمدیریت از منابع طبیعی و محیط زیست در کشور را از بین می‌برند. از آنجاکه بسیاری از دولت‌ها به شکلی عقلانی برای حل مسائل داخلی‌شان از تجربه‌هایی استفاده می‌کنند که قبلاً در دیگر کشورها تجربه‌ای موفق بوده است، بنابراین تمرکز حقوق محیط زیستی ایران بر راهبردهای دستور و کنترل و غالب شدن وجه سیاست اجبار در قوانین و مقررات محیط زیستی آن را می‌توان بر بستر نظریه‌های عقلانی حاکم بر سیاست‌های محیط زیستی کشورهای غربی‌ای که آغازکننده این شیوه حکمرانی در سیاست‌های محیط زیستی‌شان بودند نیز توجیه کرد. به عبارتی می‌توان گفت نظریه سیاسی هابز که بر اعمال حکومت به شکل اجباری و کاربرد ابزارهای دستور و کنترل تمرکز دارد، بر حقوق محیط زیستی ایران نیز حاکم است. بنابراین می‌توان تلاش‌های اندیشه‌ای و ایدئولوژیکی دولت‌ها را به عنوان حاکمیت محیط زیستی قرارداد - محور تعریف کرد. در واقع نظریه سیاسی هابز می‌گوید باید قدرت اجبارگری در کار باشد تا همه را به یک میزان و به واسطه ترس از کیفری که بزرگ‌تر از فایده مورد انتظار از نقض عهد باشد، به ایفای پیمان‌های خود وادار کند (هابز، ۱۳۸۹: ۱۷۱). بنابراین هابز تبیینی عقلانی از نظم‌ی که حکومت می‌تواند به وجود آورد را مطرح می‌کند و مدلی از سامان یافتن نظم اجتماعی بر

پایه حاکمیتی مقتدر را ارائه می‌دهد (اشرف‌نظری، ۱۳۸۴: ۲۷۹). در مدل حاکمیتی هابز هرگونه اطاعت ناپذیری بسیار جدی گرفته می‌شود و در هنگام نقض قانون، آمر (قانونگذار) و مأمور (قانون‌پذیر) مجرم تلقی می‌شوند و برای هرگونه تخلف و کوتاهی مجازات‌هایی در نظر گرفته می‌شود. همچنین واژه‌هایی به عنوان کلمات قانون معرفی می‌شوند که نشان‌دهنده بار اجباری هستند مانند «حکم می‌کند»، «دستور می‌هد» و ... (هابز، ۱۳۸۹: ۲۷۱). چنین شیوه حاکمیتی را می‌توان به وضوح در قوانین و مقررات محیط زیستی ایران مشاهده کرد که با در نظر گرفتن مجازات‌هایی همچون «جریمه نقدی» و انواع «حبس» ضمن ترساندن افراد جامعه از سرپیچی، هرگونه تخلف و کوتاهی از سوی نهادهای دولتی نیز مجازات می‌شود. همچنین نهاد قانونگذار برای تحریر متن قانون بیشتر بر کلماتی مانند «موظف است»، «مکلف است»، «باید»، «حق ندارد» و ... تمرکز دارد و این کلمات را به عنوان کلمات قانون انتخاب می‌کند که بار اجباری دارند. به عنوان نتیجه‌گیری نهایی، تمرکز نهادهای قانونگذار بر رویکرد اجباری نشان می‌دهد که ساختار قانونی و مدیریتی حوزه محیط زیست و منابع طبیعی در ایران دارای نگاه بالا به پایین است. به این معنا که حکومت برای حل مسائل و مشکلات محیط زیستی و جلوگیری از به مخاطره افتادن منابع طبیعی از رویکرد اجباری استفاده می‌کند. ضمن آنکه حکومت هرگونه اطاعت ناپذیری را بسیار جدی می‌گیرد و اصراری که برای حاکم کردن اطاعت‌پذیری از طریق ترساندن مردم (بهره‌برداران) و نهادها از عواقب تخطی از قانون مانند پرداخت جریمه نقدی، انواع حبس، تنزل مقام و ضبط اموال (جدول ۵) دارد، نشان‌دهنده اجرای عملی رویکرد اجباری در مدیریت محیط زیست و منابع طبیعی است. این تمرکز بر رویکرد اجباری باعث می‌شود که حکومت برای اعمال فشار به منظور اطاعت‌پذیر کردن مردم (بهره‌برداران) و نهادها هزینه‌های زیادی را صرف کند. همچنین اگر مردم (بهره‌برداران) و نهادها رویکرد اطاعت‌ناپذیری داشته باشند، آنها نیز هزینه‌های زیادی را بر خود تحمیل می‌کنند. یک

پیش فرض اساسی در مدیریت منابع طبیعی وجود دارد که با مشارکت مردم (ذی نفعان) می‌توان به موفقیت بیشتری در برنامه‌های حفاظتی دست یافت (Duit and Hall, 2014). بنابراین برای آنکه هم محیط زیست و منابع طبیعی با خطر و آسیب جدی روبه‌رو نشود و هم به شکل درستی روحیه اطاعت‌پذیری از حکومت افزایش یابد، لازم است با رویکرد از پایین به بالا به افزایش مشارکت مردم (ذی نفعان) و تقویت سرمایه‌های اجتماعی (از جمله اعتماد و اطمینان) اقدام کرد. به عبارتی با ایجاد رویکردهای جامعه‌محور (مانند نهادهای محلی و درگیر کردن بهره‌برداران از طریق این نهادها) و همچنین افزایش توجه به رابطه بین مردم (بهره‌برداران) و نهادها، حس اعتماد و اطمینان به حکومت و اینکه قانونگذار سهم و نقش تمامی بهره‌برداران و ذی نفعان را در مدیریت محیط زیست و منابع طبیعی مورد توجه قرار می‌دهد را افزایش داد. اتخاذ رویکرد جامعه‌محور و تقویت سرمایه‌های اجتماعی باعث رشد روحیه اطاعت‌پذیری نیز می‌شود. به عبارت دیگر افزایش حس اعتماد و اطمینان به حکومت، نوعی اطاعت‌پذیری داوطلبانه یا شبه‌داوطلبانه را ایجاد می‌کند که حکومت نیز از آن سود می‌برد، چرا که برای اطاعت‌پذیر کردن مردم (بهره‌برداران) و نهادها نیازمند صرف هزینه‌های اضافی نیست (Sjöstedt, 2014).

منابع و مأخذ

۱. اشرف نظری، علی (۱۳۸۴). «مفهوم قدرت در اندیشه سیاسی هابز»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۶۹.
۲. افتخار جهرمی، گودرز و علی محمودیان (۱۳۹۷). «اصلاحات ارضی در خالصجات»، مجله تحقیقات حقوقی، انتشار آنلاین.
۳. اکبری، محمدعلی و سعید لیلز مهرآبادی (۱۳۸۹). «تأثیر برنامه عمرانی سوم (۱۳۴۶-۱۳۴۱) در کشاورزی»، تاریخ ایران، ش (۵) ۶۵.
۴. بشیریه، حسین (۱۳۸۷). «موانع توسعه سیاسی در ایران»، تهران، انتشارات گام نو.
۵. تبریزی، منصوره (۱۳۹۳). «تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی»، فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۶۴.
۶. پایگاه اطلاع رسانی سازمان حفاظت از محیط زیست (۱۳۹۹).
۷. دفتر حقوقی سازمان حفاظت محیط زیست (بی تا). «مجموعه قوانین و مقررات محیط زیست، جلد اول».
۸. سامانه ملی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران، قانون اصلاحات ارضی (مصوب ۱۳۴۰). <http://qavanin.ir>
۹. لایحه قانونی ملی شدن جنگل ها (مصوب ۱۳۴۱). <http://qavanin.ir>
۱۰. کاپلستون، فردریک (۱۳۸۰). تاریخ فلسفه: فیلسوفان انگلیسی از هابز تا هیوم، ترجمه امیرجلال الدین اعلم، جلد پنجم، تهران، انتشارات سروش.
۱۱. مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، آیین نامه آمادگی و مقابله با آثار زیان بار پدیده گردوغبار (ریزگرد) در کشور (مصوب ۱۳۸۸) و اصلاحیه آن (۱۳۹۱). <https://rc.majlis.ir>
۱۲. آیین نامه جلوگیری از آلودگی هوا (مصوب ۱۳۵۴). <https://rc.majlis.ir>
۱۳. قانون آب و نحوه ملی شدن آن (مصوب ۱۳۴۷). <https://rc.majlis.ir>
۱۴. قانون توزیع عادلانه آب (مصوب ۱۳۶۱). <https://rc.majlis.ir>
۱۵. قانون حفاظت از خاک (مصوب ۱۳۹۸). <https://rc.majlis.ir>
۱۶. قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها و مراتع (مصوب ۱۳۴۶). <https://rc.majlis.ir>
۱۷. قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست (مصوب ۱۳۵۳). <https://rc.majlis.ir>
۱۸. قانون حفظ و حراست منابع آب های زیرزمینی کشور (مصوب ۱۳۴۵). <https://rc.majlis.ir>
۱۹. قانون حفظ و حمایت منابع طبیعی و ذخایر جنگلی (مصوب ۱۳۷۱). <https://rc.majlis.ir>
۲۰. قانون حفظ و گسترش فضای سبز و جلوگیری از قطع بی رویه درخت (مصوب ۱۳۵۲). <https://rc.majlis.ir>
۲۱. قانون شکار و صید (مصوب ۱۳۴۶). <https://rc.majlis.ir>
۲۲. قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا (مصوب ۱۳۷۴). <https://rc.majlis.ir>
23. قانون هوای پاک (مصوب 1396). <https://rc.majlis.ir>
۲۴. هابز، توماس (۱۳۸۹). لویاتان: جوهر، صورت و قدرت دولت کلیسایی و مدنی، ترجمه حسین بشیریه، چاپ

۲۵. هوگلاند، اریک جیمز (۱۳۹۲). زمین و انقلاب در ایران ۱۳۶۰-۱۳۴۰، ترجمه فیروزه مهاجر، تهران، نشر پردیس دانش.

26. Baker, Susan and Katarina Eckerberg (2014). "The Role of the State in the Governance of Sustainable Development: Subnational Practices in European States", In: *State and Environment the Comparative Study of Environmental Governance*, Edited by Andreas Duit the MIT Press.

27. Cole, Daniel H. and Peter Z Grossman (1999). "When is Command-and-Control Efficient?", *Institutions, Technology and the Comparative Efficiency of Alternative Regulatory Regimes for Environmental Protection*, Articles by Maurer Faculty.

28. Duit, Andreas and Ola Hall (2014). "Causes and Consequences of Stakeholder Participation in Natural Resource Management: Evidence from 143 Biosphere Reserves in Fifty-Five Countries", In: *State and Environment the Comparative Study of Environmental Governance*, Edited by Andreas Duit the MIT Press.

29. FAO (2019). "Soils", <http://www.fao.org/land-water/land/httpwwwfaoorg-soils-portalen/en/>.

30. Ioris, Antonio Rossotto Augusto (2014). *The Political Ecology of the State the Basis and the Evolution of Environmental Statehood*, New York, Published by Routledge.

31. Krippendorff, Klaus (2004). *Content Analysis an Introduction to its Methodology*, Second Edition, Sage Publications, Inc.

32. Sjöstedt, Martin (2014). "Enforcement and Compliance in African Fisheries: The Dynamic Interaction between Ruler and Ruled", In: *State and Environment the Comparative Study of Environmental Governance*, Edited by Andreas Duit, The MIT Press.